

حوادث کوتاه

مخفیگاه
این مجرم فراری کجاست؟



پلیس با انتشار تصویر متهم متواری میثم پارسا از مردم خواست در صورت مشاهده یا شناسایی این فرد، مراتب را از طریق شماره تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند. این متهم به مشخصات میثم پارسا به اتهام نگهداری و معرض فروش قرار دادن مقادیری مواد مخدر متواری و تحت تعقیب است. بنا به درخواست بازپرسی دادسرای انقلاب شهرستان شیراز، تصویر بدون پوشش این متهم در رسانه‌ها منتشر می‌شود تا کسانی که او را مشاهده یا اطلاعاتی از وی دارند، مراتب را از طریق شماره تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

بازگرداندن
قاتل فراری به ایران

قاتل فراری که در لیست اعلان فرارمزر قرار داشت پس از ۶ ماه فرار به ایران بازگردانده شد.

سرهنگ مجید کریمی رئیس پلیس بین‌الملل فرارگشت گفت: قاتل فراری که پس از جنایت از کشور فرار کرده بود با تلاش‌های پلیس شناسایی شد و این در حالی بود که متهم برای رد گم‌کنی به ۲ کشور دیگر سفر کرده بود تا اینکه در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. وی افزود: با توجه به اینکه متهم در لیست اعلان فرارمزر قرار داشت پس از دستگیری به کشور بازگردانده شد.

ریایش پسر ۱۲ ساله
در مسیر مدرسه

عامل آدم‌ربایی پسر ۱۲ ساله که در مسیر مدرسه ربوده شده بود در عملیات پلیسی دستگیر شد.

سردار دوستعلی جلیلیان فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: در پی تماس یکی از شهروندان با پلیس ۱۱۰ مبنی بر اینکه پسرپسری ۱۲ ساله‌اش توسط افراد ناشناس در مسیر مدرسه ربوده شده است، بلافاصله اقدامات اولیه در این راستا آغاز و موضوع با حساسیت ویژه توسط مأموران فرماندهی انتظامی شهرستان زاهدان دنبال شد.

وی افزود: مأموران کلانتری ۱۲ شهرستان زاهدان پس از اطلاع از این موضوع به همراه کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی بلافاصله در محل حضور یافته و در بررسی‌های اولیه دریافتند سرشنسیان یک دستگاه پژو ۴۰۵ نوجوانی ۱۲ ساله را در هنگام تعطیلی مدرسه در یکی از خیابان‌های شهر ربوده و از محل متواری شده‌اند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان اظهار داشت: با انجام تحقیقات تخصصی و اطلاعاتی با بررسی دقیق اظهارات خانواده فرد ربوده شده و سرنخ‌های به دست آمده مأموران پرونده شده را از چنگ آدم‌ربایان آزاد و به آغوش خانواده‌اش بازگرداندند و عامل اصلی دستگیری شده و ۳ نفر همدست وی نیز تحت تعقیب قرار گرفتند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان با اشاره به اینکه متهم در همان بازجویی‌های اولیه لب به اعتراف گشود و به آدم‌ربایی با همدستی ۳ نفر دیگر اعتراف و انگیزه خود را اختلافات قبلی عنوان کرد، افزود: پلیس با کسانی که بخواهند نظم و امنیت جامعه را برهم زنند با قاطعیت برخورد کرده و اجازه جولان به آنها نخواهد داد.

جشن عروسی
به عزا تبدیل شد

پسر جوان در جشن عروسی هدف گلوله مریکبار قرار گرفت و جشن عروسی به عزا تبدیل شد. سرهنگ عبدالرضا رخشان رئیس پلیس آگاهی استان لرستان گفت: در پی اعلام خبری به پلیس ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی منجر به قتل در یکی از مناطق شهرستان بروجرد، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی افزود: مأموران پلیس در بررسی‌های اولیه مطلع شدند که جوانی ۲۷ ساله در یک عروسی، هنگام شادی با اسلحه شکاری هدف قرار گرفته که منجر به مرگ وی شده است. رئیس پلیس آگاهی استان گفت: مأموران تحقیقات خود را آغاز و در این راستا ۲ نفر را دستگیر کردند.

این مرد به پلیس دروغ گفته بود

شلیک کینه به پدر

پسر جوان در شلیک‌های کینه‌جویانه پدرش را به قتل رساند و یک سناریوی دردناک را کلید زد. این پسر با داستان‌سرای‌های دروغین قصد داشت مسیر تحقیقات پلیس را گمراه کند اما با سرنخ‌های برجی مانده چاره‌ای جز اعتراف و رازگشایی نداشت. خواهر این مرد پدرکش که از همان ابتدا اصرار بر قصاص داشت وقتی در دادگاه حاضر شد اعلام کرد: به خاطر علاقه زیادی که به بچه برادرم دارم اعلام گذشت می‌کنم تا او در این سن، طعم تلخ بی‌پدری را نچشد.

شلیک در شهرزیا

به گزارش «ایران»، عصر ۲۷ در ماه سال ۱۴۰۰ صدای شلیک گلوله در شهرزیا پیچید و یک مرد سالخورده به نام ابراهیم در خودروی پسرش هدف شلیک گلوله قرار گرفت. وقتی بازپرس جنایی تهران پای در قتلگاه گذاشت خود را در برابر جسد خونین مرد ۶۰ساله‌ای دید که از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفته بود و گلویش هم با چاقو زخمی شده بود. در تجسس‌های میدانی مأموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران نیز مشخص شد پسر قربانی به نام بهنام اولین کسی بود که با جسد پدرش روبه‌رو شده و با پلیس تماس گرفته است.

همزمان با انتقال جسد پیرمرد به پزشکی قانونی بهنام تحت بازجویی قرار گرفت. وی گفت: شغل پدرم خرید و فروش و نصب تجهیزات آنتن‌نشانی بود و وضع مالی خوبی داشت. امروز قرار بود همراه هم به خانه خواهرم برویم به همین خاطر دنبالش رفتم و او را سوار ماشین کردم. در بین راه شیرینی هم خریدیم. چون کارت ماشین را جا گذاشته بودم مقابل در خانه برگشتم و از پدرم خواستم چند لحظه‌ای در ماشین منظره بماند تا کارت ماشینم را بردارم. اما چند دقیقه بعد وقتی برگشتم ناپاورانه با صحنه وحشتناکی مواجه شدم. پدرم غرق خون روی صندلی افتاده بود. به همین خاطر بلافاصله با پلیس تماس گرفتم. من زمانی که در خانه بودم صدای شلیک گلوله را شنیدم. پدرم با کسی دشمنی نداشت و احتمالاً از سوی یک ناشناس کشته شده است.

افشای اختلاف‌های خانوادگی

مأموران در نخستین شامخه از بررسی‌ها به پرس و جو از خانواده پیرمرد پرداختند و دریافتند وی مدتی است

با پسرش بهنام اختلاف دارد و پسر جوان به خاطر بدهی یک و نیم میلیاردی‌اش بارها سراغ پدرش رفته و از او پول خواسته است و همین موضوع باعث درگیری میان آنها شده است. با افشای این ماجرا بهنام ۲۷ ساله به عنوان نخستین مظنون بازداشت شد اما مدعی شد از نحوه قتل پدرش اطلاعی ندارد. این پسر پس از ۳ هفته سرانجام قفل سکوتش را شکست و در بازجویی‌های فنی به قتل پدرش اعتراف کرد.

اعتراف به قتل پدر

وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: نمی‌خواستم پدرم را بکشم. اما رفتارها و کارهای مرا بشدت عصبی کرده بود. پدرم چند سال پیش، مادرم را طلاق داد و بازن دیگری ازدواج کرد. سپس همه اموالش را در اختیار همسر دومش و سه فرزند او قرار داد. حتی به تازگی خانه بزرگی را به نام همسر دومش سند زده بود.

وی ادامه داد: من بدهی سنگینی داشتم و به همین خاطر به دردها افتاده بودم. چند بار سراغ پدرم رفتم و از او کمک خواستم اما به من کمک نمی‌کرد. تا اینکه مجبور شدم برای پرداخت بدهی‌هایم از یک نفر از دوستانم پول نزول بگیرم و دیگر آمیدی به زندگی نداشتم. همه این مسائل سبب شده بود تا از پدرم کینه به دل بگیرم. وی در تشریح قتل گفت: من مدتی پیش از یک فروشنده دوره‌گرد یک کلت کمری خریده بودم و آن را در خانه نگه می‌داشتم. آخرین بار وقتی می‌خواستم به خانه خواهرم بروم، سر مسائل مالی باهم با هم بحث کردیم. من از شدت عصبانیت در ماشین با تفنگی که داشتم تیری به سرش شلیک کردم. اما وقتی دیدم او هنوز زنده است با چاقویی که همراه داشتم ضربه‌ای به گلویش زدم و با پلیس تماس گرفتم و گفتم پدرم در غیاب من مقابل در خانه من کشته شده است.

به دنبال اعتراف‌های مرد جوان و بازسازی صحنه جنایت، برای وی کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده ۲ خواهر بهنام یک به یک در جایگاه ویژه ایستادند و اعلام گذشت کردند. یکی از آنها گفت: برادرم اشتباه بزرگی مرتکب

شده و با بی‌رحمی پدرمان را کشته است. ولی ما حاضر به قصاص او نیستیم و گذشت می‌کنیم. اما وقتی سومین خواهر بهنام روبه روی قضات ایستاد گفت: من نمی‌توانم از خون پدرم گذشت کنم. به همین خاطر برای برادرم قصاص می‌خواهم.

سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و به تشریح ماجرا پرداخت.

وی گفت: پدرم مرد بدخلقی بود. او همیشه با ما بدرفتار بود و من خاطرات بدی از کودکی‌ام دارم. او با اینکه وضع مالی خوبی داشت اما به ما رسیدگی نمی‌کرد. من مشکل مالی داشتم و چند بار با او صحبت کردم و از او کمک خواستم اما او به ما بی‌توجه بود و دنبال زندگی خودش بود.

وی در تشریح جزئیات قتل گفت: آخرین بار وقتی از پدرم کمک خواستم و به او گفتم زندگی‌ام در لبه پرتگاه ناپودی است او با بی‌اعتنایی جوابم را داد عصبانی شدم. من می‌دانستم پدرم پول دارد ولی حاضر نیست آن را به من بدهد تا زندگی‌ام خراب نشود. به همین خاطر کنترل اعضايم را از دست دادم و اسلحه‌ای را که در ماشین داشتم بیرون کشیدم و به پدرم شلیک کردم.

پشیمانی در دادگاه

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و بشدت اشک می‌ریخت ادامه داد: می‌دانم اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ام، حالا پشیمان هستم و از خواهرهایم تقاضای بخشش دارم. من نباید به پدرم شلیک می‌کردم. باور کنید تحت تأثیر مشکلات زیاد چنین تصمیم اشتباهی گرفتم.

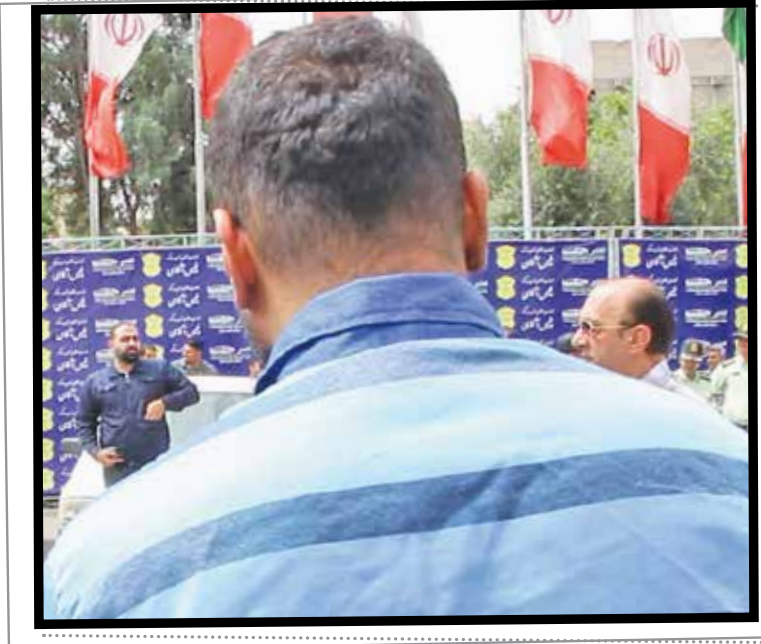
در این میان سومین خواهر بهنام برخاست و او که اشک می‌ریخت روبه قضات گفت: من به بچه برادرم علاقه زیادی دارم. من او را از جان و دل دوست دارم و فقط به خاطر او اعلام گذشت می‌کنم چون نمی‌خواهم او طعم تلخ بی‌پدر بودن را بچشد.

با اعلام گذشت سومین ولی دم، بهنام از جنبه عمومی جرم از خود دفاع کرد.

وی که اشک می‌ریخت گفت غیر از پشیمانی حرفی برای گفتن ندارم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا با توجه به رضایت اولیای دم و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی برای وی حکم صادر کنند.

فرار جسورانه زن گروگان
از صندوق عقب خودروی لوکس



مرد تبهکار به بهانه تعمیرخودرو، خانم راننده جوان را طعمه اعمال شیطانی خود قرار داد. به گزارش «ایران»، خطر از بیخ گوش افسانه رد شده بود، اما حال روحی و جسمی او به حدی بد بود که روی تخت بیمارستان تحت مداوا قرار گرفت. کابوس ربوده شدن یک لحظه‌ای در حالی جوی درخشش کنار نمی‌رفت و جای زخم‌هایی که در دستگیر با آدم‌ربا روی بدنش مانده بود نیاز به مداوا و درمان داشت.

زن و مرد آدم‌ربا

افسانه ۳۰ ساله در همان حال اقدام به شکایت از مرد و زن جوانی کرد که قصد ربودن او را داشتند. بدین ترتیب تیمی از اداره بازهم پلیس آگاهی با حضور در بیمارستان، بالای سر زن وحشتزده حاضر شدند و ضمن ثبت شکایت او در همان وضعیت، تحقیقات خود را برای یافتن ردی از اعمال آدم‌ربایی آغاز کردند.

زن جوان به مأموران پلیس توضیح داده بود که از مدتی قبل در جریان صافکاری خودروی خود با این مرد تبهکار آشنا شد. روز حادثه برای انجام کاری برای ماشینش با او قرار گذاشت و در گرمای یک ظهر بهاری، مرد جوان به او آمیوه‌ای تعارف کرد که خانم راننده کفرش را هم نمی‌کرد و نوشیدن این آمیوه، اجرای سناریوی شیطانی این مرد جوان کلید بخورد. اما جوان گفت بعد از خوردن آمیوه برای چند ساعتی گیج و منگ شد و بعد به طرز معجزه‌آسایی توانست خود را از چنگال این مرد نجات دهد.

با اطلاعاتی که خانم راننده جوان در اختیار مأموران قرار داد، ردیابی مرد آدم‌ربا در دستور کار قرار گرفت و طولی نکشید که مرد تبهکار با افسانه‌ها ربوده بود، شناسایی و دستگیر شد. افسانه اعتقاد دارد این مرد، او را برای رسیدن به مقاصد شیطانی ربوده بود، اما مرد آدم‌ربا این ادعا را قبول ندارد و انگیزه خود را از آدم‌ربایی اخاذی و سرقت اموال افسانه عنوان می‌کند.

اعترافات ربابنده زن ثروتمند

متهم بعد از دستگیری در اعتراف به ربودن زن جوان گفت: «در جریان تعمیر خودروی این زن جوان با او آشنا شده و متوجه شدم که خانم پولداری است و وسوسه شدم از او اخاذی کنم، برای همین نقشه ربودن او را به همراه همدستم که زن جوانی بود کشیدم. روز حادثه به بهانه رسیدگی به کارهای مربوط به خودرو با زن جوان در غرب تهران قرار گذاشتم و به آمیوه مسموم



اعترافات یک تبهکار بعد از مرگ!

نامبرده فوت شده است. رئیس پلیس آگاهی پایتخت در ادامه تصدیق کرد: کارآگاهان تیزبین پلیس آگاهی پس از تحقیقات ابتدایی به این موضوع مشکوک شده و با استفاده از روش‌های علمی و اطلاعاتی کشف جرم، بدو تحقیقات میدانی را آغاز کردند و از زنده بودن متهم مطمئن و موفق شدند مخفیگاه وی را در شرق تهران شناسایی کرده و پس از هماهنگی قضایی در یک عملیات منسجم و غافلگیرانه متهم را در مخفیگاهش دستگیر و به آگاهی تهران منتقل کنند.

وی افزود: شاکیان این پرونده پس از مراجعه به پلیس آگاهی تهران بزرگ اظهار داشتند: متهم پس از شناسایی افرادی که قصد خرید زمین داشتند، با آنان تعامل و ارتباط تنگاتنگ برقرار و اظهار می‌کرد مالک زمین است و قصد فروش زمین را دارد و با جعل اسناد، زمین‌های موردنظر از رسیدن به خواسته خود، متواری می‌شد و شاکیان از هر طریقی که برای شناسایی وی مراجعه می‌کردند، اطرافیان متهم اعلام می‌داشتند که ۲ تهران اعزام شد.



مرد شاید که با شگردی ماهرانه دست به کلاهبرداری زده بود و با جعل گواهی فوت سعی بر پنهان ماندن این تبهکاری‌اش داشت، دستگیر شد. سرهنگ کارآگاه «علی ولی‌پور گودرزی» رئیس پلیس آگاهی تهران گفت: اوایل شهریورماه سال گذشته شخصی با استفاده از جعل اسناد، زمین‌های اطراف شهر تهران را به خریداران می‌فروخت که با وقوع این کلاهبرداری موضوع رسیدگی به این پرونده در دستورکار تیمی از کارآگاهان اداره ۸ پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

وی افزود: شاکیان این پرونده پس از مراجعه به پلیس آگاهی تهران بزرگ اظهار داشتند: متهم پس از شناسایی افرادی که قصد خرید زمین داشتند، با آنان تعامل و ارتباط تنگاتنگ برقرار و اظهار می‌کرد مالک زمین است و قصد فروش زمین را دارد و با جعل اسناد، زمین‌های موردنظر از رسیدن به خواسته خود، متواری می‌شد و شاکیان از هر طریقی که برای شناسایی وی مراجعه می‌کردند، اطرافیان متهم اعلام می‌داشتند که ۲ تهران اعزام شد.

بله دقیقاً! آن روز من سر قرار با این آقا رفتم که ماشینم را پس بگیرم. او به من گفت که عجله دارد و باید زودتر به خانواده‌اش برسد و از من خواهش کرد که او را با ماشینم به خانه‌اش برسانم. من هم قبول کردم چون باور کرده بودم نیاز به کمک دارد تا سریع‌تر به خانه‌اش برسد. قبل از سوار شدن به خودروی من، آمیوه‌ای هم بریم خرید و من که خیلی گرم شده بود حتی یک لحظه هم به اینکه ممکن است آمیوه مسموم باشد، فکر نکردم و آن را خوردم. بعد چه شد؟

گیج شده بودم و هوشیاری کاملی نداشتم. من را به پارکینگ خانه‌ای منتقل کرد و قصد تعرض به من را داشت. دست و دهانم را چسب زده بود و من را در صندوق عقب خودرو انداخت. تقلا و مقاومت من برای فرار از دست این مرد باعث شد در بدنم جراحتهایی به وجود بیاید. بالاخره خودم را از صندوق ماشین بیرون انداختم و هر طور بود از دستش فرار کردم. بنا بر این گزارش متهم پرونده برای تحقیقات بیشتر تحت اختیار کارآگاهان اداره بازهم پلیس آگاهی تهران قرار دارد.